

یادداشت

افغانستان؛ بازیگر مهم ژئوپلیتیک آسیا



اسلام ذوالقدریور

کارشناس ارشد مسائل سیاسی و بین‌الملل
و دکترای سیاست‌گذاری عمومی

هندسه قدرت در جهان برآشفته دهه سوم قرن بیست‌ویکم به‌گونه‌ای پیچیده شده است که ساده‌سازی و تحلیل آن در چارچوب یک الگوی سیاست‌گذاری خارجی، بسیار سخت و بلکه غیرعلمی نشان می‌دهد. آتارشی نظام جهانی و رقابت فراگیر بازیگران برای قدرت‌نمایی، سیاست‌گذاران را به تعریف یا بازنویسی راهبردها، سیاست‌ها و تاکتیک‌های جدیدتر وادار می‌کند. آسیای جنوب غربی که همواره یکی از کانون‌های بحران‌زای ژئوپلیتیک نظام جهانی و برسازی هندسه قدرت جهانی بوده است، در چند سال اخیر چنان آشفته شده که بر حوزه‌های جغرافیایی مانند آسیای میانه و قفقاز نیز اثرگذاری داشته است. یکی از این کشور‌های اثرپذیر از دگرگونی آسیای جنوب غربی را می‌توان افغانستان دانست که در چند سال گذشته کانون توجه بازیگران بزرگ و طراحان هندسه قدرت جهانی شده است. بازگشت نگاه قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای به سوی افغانستان و قرارگرفتن این کشور در مرکز سیاست‌گذاری خارجی قدرت‌های بزرگ را می‌توان یکی از مؤلفه‌های اهمیت راهبردی افغانستان در ژئوپلیتیک آسیا و بلکه یکی از دلایل جنگ چندروزه افغانستان و پاکستان دانست که خود جلوه‌ای از قدرت‌نمایی افغانستان و آشفتنگی هندسه قدرت در این پهنه جغرافیایی است. اهمیت افغانستان در هندسه قدرت و نظم نوین منطقه‌ای و جهانی را باید در چند الگوی مهم‌زمان که از سوی بازیگران مهم استفاده می‌شود، بررسی کرد. واقعیت ژئو ژئوپلیتیک افغانستان را در محورهای زیر می‌توان تفسیر کرد:

۱. الگوی ترامپ برای بازگشت به بگرام؛ اهمیت و کارکرد ژئوپلیتیک افغانستان در نظم نوین جهانی به‌گونه‌ای است که ایالات متحده آمریکا چهار سال پس از رسوایی خروج از افغانستان در اگوست ۲۰۲۱، بار دیگر برای بازگشت به این کشور برنامه‌ریزی کرده است. اعلام دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، برای بازپس‌گیری پایگاه هوایی بگرام از طالبان و حضور راهبردی ایالات متحده در این پایگاه بزرگ نظامی با پیشینه حضور صد هزار نظامی آمریکایی را می‌توان یکی از جلوه‌های اهمیت روزافزون افغانستان در هندسه جدید قدرت نظام جهانی دانست که حضور در بگرام به معنای رقابت و بازی رودررو با دشمنان و رقیبان بزرگ مانند چین، روسیه، ایران، هند و... است. تمایل و سیاست ایالات متحده آمریکا برای بازگشت به پایگاه راهبردی بگرام، نشان می‌دهد این پایگاه بزرگ نظامی تنها برای کنش آمریکا در افغانستان نیست، بلکه افغانستان و پایگاه بگرام، کانون برسازی نظم نوین در آسیای میانه و شرق آسیا نیز خواهد بود.

۲. الگوی توسعه و نفوذ راهبردی چین در افغانستان؛ چین در دوران ریاست‌جمهوری حامد کرزای در چارچوب الگوی راهبردی کرمنند و جاده، نفوذ فراگیری در افغانستان داشته و خود را بازیگر مهم فرایند صلح داخلی، بازسازی و توسعه افغانستان معرفی کرده بود. حامد کرزای اگرچه رئیس‌جمهوری بود که دولتش پیامد مداخله ایالات متحده آمریکا در سرنگونی دولت طالبان بود، اما سیاست خارجی او به سوی همسایه بسیار قدرتمندش یعنی جمهوری خلق چین گرایش یافته و چین به‌عنوان بازیگر اصلی اما پنهان در روند دگرگونی افغانستان ایفای نقش می‌کرد. بسیاری از طرح‌های توسعه افغانستان در حوزه زیربنایی مانند سدسازی، جاده‌سازی و... از سوی چین طراحی و اجرایی شده که این روند توسعه پس از خروج ایالت متحده آمریکا از افغانستان و شکل‌گیری دولت دوم طالبان از ۲۰۲۱ نیز همچنان ادامه داشته است و طالبان و چین دارای روابط راهبردی شده‌اند. سیاست‌گذاری خارجی چین برپای قدرت‌نمایی در منطقه به‌ویژه حضور و سلطه بر کانون ژئوپلیتیک افغانستان، از الگوی نرم براساس توسعه اقتصادی بهره می‌گیرد و تلاش دارد خود را از درگیری‌های داخلی و خارجی افغانستان دور نگه دارد. الگویی که تاکنون موفق و بسیار کم‌هزینه بوده است.

۳. الگوی پدروخوانده پاکستان؛ اشغال افغانستان از سوی اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر ۱۹۷۹ سبب اهمیت پاکستان به‌عنوان سر راه پیشروی جهان کمونیست در شرق آسیا شد. پاکستان با یک سیاست‌گذاری چندوجهی توانست خود را به‌عنوان نماینده جهان اسلام مقابل شوروی اعلام کند و از سوی دیگر با زیرکی توانست حمایت‌ها و کمک‌های فراوان جهان غرب و ایالات متحده آمریکا برای مقاومت مقابل پیشروی کمونیسم به شبه‌قاره هند و شرق آسیا را نیز به دست آورد. اشغال ۱۰ساله افغانستان از دسامبر ۱۹۷۹ تا فوریه ۱۹۸۹ از سوی شوروی، برگ برنده پاکستان برای دریافت انواع کمک‌های اقتصادی، نظامی، امنیتی و اطلاعاتی از کشورهای فاکت‌خیز عربی و ایالات متحده آمریکا بود. در چنین زمینه‌ای، دولت پاکستان و به‌ویژه ارتش این کشور، با هزینه اعراب و آمریکا توانست نفوذی عمیق برقرار کند و در چارچوب ایدئولوژیک حمایت از اسلام‌گرایی و چارچوب قومی حمایت از پشتون‌ها، هزاران جوان و جنگجو را در پاکستان آموزش نظامی و دینی داده و آنها را روانه افغانستان کند. برآمدن طالبان از مدارس دینی پاکستان، تهاجم آنها به افغانستان با حمایت مستقیم ارتش پاکستان و به دست گرفتن دولت در افغانستان از سوی طالبان، سبب شکل‌گیری الگوی پدروخواندگی پاکستان بر طالبان شد. پاکستان پدروخوانده طالبان افغانستان بوده و منافع فراوانی از شکل‌گیری دولت اول طالبان در منطقه به دست آورد که دستاویز بازی قدرت دولت پاکستان در مناسبات منطقه‌ای به‌ویژه مقابل ایران و هند شد. این الگو در دولت دوم طالبان نیز عملیاتی شد، اما با توجه به قدرت روزافزون طالبان، رابطه پدروخواندگی پاکستان بر افغانستان دچار بحران شده و پسرخوانده علیه پدرخوانده مقاومت کرده و ستیزه‌جو شده است!

۴. الگوی نرم و ابهام ایران؛ پیشینه تمدنی مشترک ایران و افغانستان که بسیار فراتر از همسایگی دو کشور است، سبب روندی از روابط پرفرازونشیب میان ایران و افغانستان شده است که این روند با شکل‌گیری دولت طالبان در سال ۱۹۹۶، چنان پیچیده شد که تنها در چارچوب الگوی ابهام فراینده تفسیرپذیر است. برآمدن دولت طالبان در افغانستان که جلوه‌ای از نابودی منابع قدرت و منافع راهبردی ایران در منطقه به‌ویژه در افغانستان مانند سرکوبی گروه‌ها و احزاب جهادی طرفدار ایران بود، سبب ورود سخت و نظامی ایران به روند دگرگونی قدرت افغانستان نشد. این رویکرد نرم ایران مقابل طالبان با تندخویی دولت طالبان در تابستان ۱۹۹۸ (۱۷ مرداد ۱۳۷۷) و شهادت نمایندگان دیپلماتیک ایران در کنسولگری ایران در هرات پاسخ داده شد. رخداد خشونت‌بارکنسولگری ایران در هرات، روندی از تهدیدات دیپلماتیک و لشکرکشی مرزی میان ایران و طالبان را شکل داد که با درایت رهبری و سیاست‌گذاران ارشد، به جنگ تبدیل نشده و الگوی نرم و ابهام فراینده روابط ایران و افغانستان ادامه‌دار ماند. ایران در دوران اشغال افغانستان از سوی ائتلاف غربی و ایالات متحده آمریکا، همچنان از الگوی نرم و ابهام بهره برده و از اخراج آمریکا از افغانستان حمایت می‌کرد. بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان اگرچه برخی منافع تمدنی ایران را تهدید می‌کند، اما سیاست‌گذاران ایرانی همچنان برالگوی نفوذ نرم در دولت جدید طالبان پافشاری کرده و در اختلافاتی مانند حقایق ایران از هیرمند و... نیز الگوی ابهام فراینده را دنبال می‌کنند.

۵. الگوی تهاجم و شکست؛ ایران یک همسایه و قدرت منطقه‌ای است که در چند سده اخیر نتهتا به افغانستان لشکرکشی و جنگ نداشته، بلکه در برخی دوران مورد تهاجم افغانستان قرار گرفته و مسیر استقلال افغانستان نیز از سوی حکومت‌های ایرانی آسان شده است.

مهدی باززرگان: پس از اقدام تروئیکای اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران، روابط تهران و اروپا وارد مرحله‌ای از انجماد و رکود دیپلماتیک شده است. این وضعیت که نتیجه مستقیم افزایش بی‌اعتمادی متقابل و فشارهای سیاسی غرب بر ایران محسوب می‌شود، عملاً مسیر گفت‌وگوهای رسمی را متوقف کرده است. با این حال، در دل این فضای سرد دیپلماتیک، نشانه‌هایی از تلاش برای بازگشایی مسیرهای غیرمستقیم و تعامل‌های انسانی به چشم می‌خورد؛ مسیری که شاید بتواند گامی برای کاهش تنش‌های کلان میان تهران و پایتخت‌های اروپایی باشد. در همین چارچوب، به نظر می‌رسد موضوع تبادل اتباع زندانی میان ایران و برخی کشورهای اروپایی، ازجمله فرانسه، به‌عنوان یکی از ابزارهای نرم دیپلماسی در حال پیگیری است. مقامات در تهران و پاریس طی هفته‌های اخیر گام‌هایی در این مسیر برداشته‌اند و نشانه‌هایی از تمایل متقابل برای حل‌وفصل این پرونده دیده می‌شود. این اقدامات در واقع تلاشی است برای بازکردن روزنه‌ای در دیوار بلند بی‌اعتمادی، بدون آنکه الزاما به مذاکرات هسته‌ای یا پرونده‌های غیرهسته‌ای گره بخورد.

با این حال و پس از آزادی مشروط دو تبعه فرانسوی در ایران، ژان نوتل بارو، وزیر امور خارجه فرانسه، در تازه‌ترین اظهارات خود بر تمایز میان پرونده تبادل اتباع و مذاکرات هسته‌ای تأکید کرده و گفته است: «آزادی اتباع فرانسوی ارتباطی با موضوع هسته‌ای و لغو تحریم‌ها ندارد. ضمن آنکه لغو تحریم‌ها باید با توافق واجماع اعضای شورای امنیت باشد، نه توافق دوجانبه تهران-پاریس». اگرچه به ادعای بارو، «ما همیشه گفته‌ایم که آماده مذاکره هستیم». وزیر امور خارجه فرانسه این را هم اعلام کرد که «این اقدام هیچ ارتباطی با لغو تحریم‌ها ندارد» و آن را صرفا نتیجه پیگیری‌های دیپلماتیک دانست. مسئول سیاست خارجی فرانسه در گفت‌وگو با رسانه‌ها، ضمن استقبال از تصمیم ایران برای آزادی دو شهروند فرانسوی و انتقال به سفارت فرانسه در تهران تأکید کرد: «هنوز این دو شهروند، «سیسیل کوهلر» و «ژاک پاری» به آزادی کامل نرسیده‌اند و همچنان در وضعیت مشروط و تحت حفاظت سفارت فرانسه در تهران به سر می‌برند». به گفته بارو، «این مرحله صرفا گامی اولیه در مسیر بازگشت آنان به کشور است و دیپلماسی فرانسه به صورت آرام و محتاطانه این مسیر را دنبال می‌کند».

در همین حال اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران هم با اشاره به آزادی این دو تبعه تصریح کرد: «آنها با تصمیم قاضی پرونده و با قید وثیقه آزاد شده‌اند و تا زمان رسیدگی نهایی تحت نظر خواهند بود». به گفته بقایی، «این تصمیم، اقدامی مثبت در چارچوب ملاحظات انسانی و قضائی است».

البته در مقابل وزیر خارجه فرانسه در بخش دیگری سخنانش، ضمن تأیید اینکه این دو تبعه فعلا نمی‌توانند

از سفارت خارج شوند، تأکید کرد: «آنها از زندان بیرون آمده‌اند، اما هنوز آزادی رفت‌وآمد ندارند. در تماس با خانواده‌هایشان هستند و این خود نشانه‌ای از پیشرفت است، اما تا بازگشت به فرانسه راه باقی مانده است». بارو افزود: «دیپلماسی فرانسه در سکوت و با دقت پیش می‌رود و گفت‌وگو با مقامات ایرانی برای تکمیل روند آزادی ادامه دارد». در همین زمینه، «بیر کوشار» سفیر فرانسه در تهران نیز با تأیید سخنان وزیر خارجه کشورش، خبر داد: «دو تبعه آزادشده در محوطه سفارت در امنیت کامل هستند و تماس مستقیم آنها با مقامات فرانسوی ازجمله رئیس‌جمهور امانوئل مکررون برقرار شده است». او اعلام کرد: «ما همچنان در

حال گفت‌وگو با مقامات ایرانی هستیم و امیدواریم طی روزها یا هفته‌های آینده زمینه بازگشت آنها به فرانسه فراهم شود، هرچند ممکن است این روند کمی زمان‌بر باشد». دیپلمات ارشد فرانسوی همچنین فاش کرد که در گفت‌وگویی تلفنی با عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، ضمن قدردانی از اقدام تهران، خواستار آزادی کامل و بدون قید و شرط اتباع فرانسوی شده است. او با اشاره به ماهیت حساس این گفت‌وگوها عنوان کرد «سکوت و احتیاط دیپلماتیک» نقش کلیدی در پیشرفت مذاکرات داشته است. او در فراز دیگری از مصاحبه خود با ادینبات ضدایرانی تأکید کرد: «فرانسه همچنان در قبال برنامه هسته‌ای ایران موضعی سخت‌گیرانه دارد و بازگشت تحریم‌های تسلیحاتی و اقتصادی اخیر، بخشی از سیاست فشار پاریس در چارچوب تصمیم تروئیکای اروپایی بوده است».

به این ترتیب، اگرچه آزادی دو تبعه فرانسوی گامی مثبت در مسیر تنش‌زدایی محسوب می‌شود، اما اظهارات صریح مقامات پاریس درباره تفکیک این موضوع از مذاکرات هسته‌ای و تحریم‌ها نشان می‌دهد که روابط تهران و پاریس همچنان در چارچوبی محتاطانه و پر از بی‌اعتمادی دنبال می‌شود؛ با این حال، همین سطح از گفت‌وگو می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای از باز شدن تدریجی قفل روابط دو کشور تعبیر شود.

گروسی: هنوز راجع پرونده ایران به شورای امنیت به دلیل کاهش بازرسی‌ها ضروری نیست

در گیرودار معادلات دیپلماتیک تهران-پاریس برای تبادل اتباع، کماکان وضعیت پرونده هسته‌ای در ابهام به سر می‌برد. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در جدیدترین گفت‌وگوی خود که با روزنامه فایننشال تایمز انجام شده است، با اشاره به کاهش سطح بازرسی‌ها در ایران گفت: «هنوز ضرورتی برای ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل وجود ندارد، اما تهران باید سطح همکاری خود با بازرسان آژانس را به‌طور جدی بهبود بخشد».

او ضمن اذعان به اینکه «آژانس از ماه ژوئن و بعد از حمله اسرائیل تاکنون حدود ۱۲ بازرسی را در ایران انجام داده است»، تأکید کرد بازرسان هنوز به سایت‌های کلیدی همچون فردو، نظنر و اصفهان که به گفته او در جریان حملات هوایی ایالات متحده آسیب دیده‌اند، دسترسی نیافته‌اند. گروسی افزود: «آژانس برای بررسی این مکان‌ها فعلا به تصاویر ماهواره‌ای متکی بوده است». او همچنین مدعی شد: «وضعیت ۴۰۸ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده در سطوح بالا در ایران هنوز مشخص نیست و این موضوع نیاز به ازسرگیری فوری بازرسی‌ها را افزایش داده است». مدیرکل آژانس در حالی بر لزوم همکاری بیشتر ایران تأکید کرد، هیچ اشاره‌ای به اقدامات خصمانه و غیرقانونی آمریکا در حمله به تأسیسات هسته‌ای کشورمان نکرد و این حملات را محکوم نکرد. او در اظهاراتی علیه ایران مدعی شد: «شما نمی‌توانید در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بمانید اما تعهدات خود را اجرا نکنید». با وجود این مواضع، گروسی تأکید کرد: «آژانس همچنان خواهان تداوم گفت‌وگو با ایران است و تلاش دارد تا روابط پرفرازونشیب دو طرف را در مسیر تفاهم متقابل پیش ببرد». به گفته رئیس دیده‌بان هسته‌ای سازمان ملل، «هدف آژانس بازگشت به نظارت کامل بر برنامه هسته‌ای ایران است، اما این امر نیازمند تصمیم سیاسی تهران برای ازسرگیری همکاری‌های گسترده‌تر خواهد بود». این در حالی است که به گفته اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، «بازرسی‌های جاری طبق توافقات موجود و در چارچوب همکاری داوطلبانه تهران با آژانس انجام می‌شود».

علی بیگدلی: تبادل اتباع برای دولت فرانسه مهم است، اما تأثیری در حوزه‌های کلیدی مانند هسته‌ای ندارد

علی بیگدلی در تحلیل تبادل اتباع بین ایران و فرانسه بر مناسبات اروپا و تصمیم تروئیکا در قبال پرونده هسته‌ای، نگاهی محتاطانه دارد و در گفت‌وگو با «شرق» و با اشاره به آزادی دو تبعه فرانسوی از

سوی ایران، این اقدام را حرکتی صرفا «انسانی و غیرسیاسی» دانست و تأکید کرد: «این مسئله در ظاهر ارتباط مستقیمی با پرونده هسته‌ای ایران ندارد، اما می‌تواند در فضای سیاسی و دیپلماتیک فعلی اثرگذار



باشد و از شدت تنش‌ها میان تهران و اروپا بکاهد». این مدرس دانشگاه توضیح داد: «در شرایطی که روابط ایران و اروپا در نوعی انجماد به سر می‌برد، چنین اقداماتی می‌تواند به‌عنوان روزنه‌ای کوچک برای کاهش تنش و بازکردن مسیر گفت‌وگو عمل کند. هرچند تأثیر آن بر روند احیای برجام یا رفع تحریم‌ها چندان درخور توجه نخواهد بود».

تحلیلگر ارشد مسائل اروپا به شرایط داخلی فرانسه هم ورود کرد و گفت: «آقای مکرون در موقعیت بسیار شکننده‌ای قرار دارد. راست افراطی با محوریت مارین لوپن هر روز در حال قدرت‌گرفتن است و مشکلات اقتصادی شدید کشور را فراگرفته است. در چنین فضایی، مکرون برای حفظ اعتبار سیاسی خود در داخل فرانسه به دنبال موفقیت‌هایی در عرصه خارجی است. از همین رو آزادی اتباع فرانسوی برای او جنبه‌ای حیثیتی داشت تا بتواند در برابر مخالفان داخلی موقعیت خود را تقویت کند». مفسر حوزه سیاست خارجی افزود: «تبادل اتباع با ایران از نظر سیاسی برای دولت فرانسه مهم است، اما تأثیر مستقیمی بر مناسبات ایران و اروپا در حوزه‌های کلیدی مانند هسته‌ای و امنیتی ندارد».

به گفته بیگدلی، هرچند وزیر خارجه فرانسه تأکید کرده که موضوع اتباع فرانسوی هیچ ارتباطی با مذاکرات هسته‌ای ندارد، اما در عمل این اقدام به شکل غیرمستقیم می‌تواند در کوتاه‌مدت فضای حاکم بر روابط ایران و اتحادیه اروپا را نرم‌تر کند. او توضیح داد: «ما در آستانه نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستیم و هر اقدامی که به کاهش تنش‌ها بینجامد، می‌تواند بر لحن و تصمیمات احتمالی این شورا اثر بگذارد. بنابراین اگر ایران به موازات تبادل اتباع اروپایی، اجازه دهد کارشناسان آژانس برای نصب دوربین‌ها و انجام نظارت‌ها به کشور بازگردند، احتمال دارد پرونده ایران در مسیر آرام‌تری پیش رود و تصمیمات سخت‌گیرانه‌تری علیه کشور گرفته نشود».

این کارشناس با اشاره به اینکه هنوز پرونده ایران در شورای امنیت به مرحله تصمیم نهایی نرسیده، ابراز امیدواری کرد: «این روند با خرید زمان از جانب تهران فعلا متوقف بماند و ایران بتواند از فرصت موجود برای گفت‌وگو با اروپا استفاده کند». به گفته این مدرس دانشگاه، «فعلا پرونده ایران ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل قرار دارد، اما تا زمانی که به ماده ۴۲ و اقدام نظامی نرسیده‌ایم، هنوز فرصت برای مانور دیپلماتیک باقی است. چین و روسیه نیز تمایلی به ارجاع موضوع به مرحله اقدام نظامی ندارند، بنابراین می‌توان از این شرایط برای کاستن از فشارها بهره گرفت».

بیگدلی با پرداختن به گفته‌های اخیر رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، تأکید کرد: «لحن گروسی تا به اینجا یک لحن میانه و محتاطانه بوده و تهران باید از این فرصت استفاده کند تا همکاری با آژانس را گسترش دهد». او ادامه داد: «اکنون در یک چهارضلعی متشنج میان آمریکا، اروپا، اسرائیل و آژانس قرار داریم و تنها راه خروج از این بن‌بست، افزایش همکاری فنی با آژانس و ارائه گزارش‌های شفاف است. این کار می‌تواند مانع از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت شود و به کاهش التهاب کمک کند». تحلیلگر مسائل سیاست خارجی در پایان خاطرنشان کرد: «آزادی اتباع خارجی و گسترش تعامل با آژانس به شکل هم‌زمان و موازی در کوتاه‌مدت می‌تواند از صدور قطع‌نامه‌های جدید جلوگیری کند، اما به‌تنهایی قادر نیست مسیر احیای مذاکرات را هموار کند. برای عبور از شرایط فعلی، ایران باید هم‌زمان با اقدامات اعتمادساز، سیاستی فعال‌تر در عرصه دیپلماسی هسته‌ای در پیش بگیرد تا بتواند از تبدیل شدن بحران کنونی به یک بن‌بست سیاسی و امنیتی جلوگیری کند».

بیگدلی: ما در آستانه

نشست شورای حکام

آژانس بین‌المللی

انرژی اتمی هستیم و

هر اقدامی که به کاهش

تنش‌ها بینجامد،

می‌تواند بر لحن و

تصمیمات احتمالی

این شورا اثر بگذارد.

بنابراین اگر ایران به

موازات تبادل اتباع

اروپایی، اجازه دهد

کارشناسان آژانس

برای نصب دوربین‌ها

و انجام نظارت‌ها

به کشور بازگردند،

احتمال دارد پرونده

ایران در مسیر آرام‌تری

پیش رود و تصمیمات

سخت‌گیرانه‌تری علیه

کشور گرفته نشود

خبر

پزشکیان در گفت‌وگو با

رئیس‌جمهور فرانسه:

آمریکا و اروپا باید با اثبات

صداقت خود اعتماد ایران را

جلب کنند

پزشکیان در گفت‌وگو با رئیس‌جمهور فرانسه گفت: ایران همواره از گفت‌وگو و تعامل استقبال کرده، اما امروز این طرف مقابل است که باید به‌عنوان یک اقدام اعتمادساز حقوق جمهوری اسلامی ایران را محترم بشمارد و به دنبال تحمیل زیاده‌خواهی‌های خود نباشد. این ایران نیست که باید صداقت خود را اثبات و اعتمادآفرینی کند، بلکه آمریکا و اروپا هستند که باید با اثبات صداقت خود اعتماد جمهوری اسلامی ایران را جلب کنند. به گزارش ایلنا، رئیس‌جمهور فرانسه ظهر دیروز در تماس تلفنی با مسعود پزشکیان، بابت برداشتن گام‌های عملی در راستای برطرف‌کردن برخی موانع و عمل به توافقات حاصل‌شده در دیدارهای گذشته، از رئیس‌جمهور کشورمان قدردانی کرد.

«امانوئل مکرون» در ادامه با بیان اینکه بنده برای ایجاد یک چارچوب مذاکره‌ای جدید تلاش خواهم کرد تا بتوانیم به نتیجه‌ای روشن بین ایران و کشورهای غربی برسیم، گفت: ضروری است تعاملات و گفت‌وگوهای ما در راستای ایجاد شفافیت و اعتمادسازی ادامه داشته باشد تا بتوانیم به توافق رسیده و ضمن رفع تحریم‌ها، روابط متقابل را بهبود بخشیده و گسترش دهیم. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشورمان نیز در این مکالمه تلفنی در پاسخ به اظهارات همتای فرانسوی خود درباره مذاکره با آمریکا، با اشاره به سوابق گفت‌وگوهای جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده، اظهار کرد: ایران بارها اعلام کرده است که براساس فتوای رهبر معظم انقلاب اسلامی و نیز چارچوب دکترین امنیتی و دفاعی خود به‌هیچ‌وجه به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای نیست، اما متأسفانه شاهد آن هستیم که بر پایه یک اصرار مغرضانه، ایران به بهانه کذب تلاش برای ساخت سلاح هسته‌ای، تحت فشار و تحریم‌های فراینده قرار گرفته است.پزشکیان افزود: رویکرد اصولی جمهوری اسلامی ایران این است در جایی که می‌توان به منطق و گفت‌وگو سوءتفاهمات را برطرف کرد، به کار بردن زور و تهدید نه تنها مشکل را حل نمی‌کند، بلکه به اختلافات و شکاف‌ها دامن نیز می‌زند. رئیس‌جمهور گفت: ایران همواره از گفت‌وگو و تعامل استقبال کرده، اما امروز این طرف مقابل است که باید به‌عنوان یک اقدام اعتمادساز حقوق جمهوری اسلامی ایران را محترم بشمارد و به دنبال تحمیل زیاده‌خواهی‌های خود نباشد. این ایران نیست که باید صداقت خود را اثبات و اعتمادآفرینی کند، بلکه آمریکا و اروپا هستند که باید با اثبات صداقت خود اعتماد جمهوری اسلامی ایران را جلب کنند.

بابک زنجانی خطاب به ثابتی:

ادعایت را ثابت کنی، پشت و

رویت می‌کنم

بابک زنجانی خطاب به اظهارات نماینده تهران گفت: اگر نتوانی اثبات کنی تلگرام و انتساب آن شرکت به این‌جانب ربط دارد یا نتوانی اثبات کنی بدهی خود را پرداخت نکرده‌ام، پشت و رویت می‌کنم تا درس عبرتی برای همه نفوذی‌های کشور شود.

به گزارش ایلنا، بابک زنجانی در شبکه اجتماعی ایکس در واکنش به تذکر اخیر ثابتی نوشت: «مجلس محل قانون‌گذاری است نه قانون‌سختی... کودک‌نماینده، اگر نتوانی اثبات کنی دزد چه کسی است و اگر نتوانی اثبات کنی تلگرام و انتساب آن شرکت به این‌جانب ربط دارد یا نتوانی اثبات کنی بدهی خود را پرداخت نکرده‌ام، پشت و رویت می‌کنم تا درس عبرتی برای همه نفوذی‌های کشور شود».

ثابتی هم در جواب توییت زنجانی نوشت: «دزد بزرگ که تک‌تک سلول‌های بدنش با رانت ارز دولتی و پول‌های حرام رشد کرده، عصی شده و تهدید می‌کند. با این ات‌بازی‌ها نه پرونده‌های بخوربخور و فسادت فراموش می‌شود و نه می‌توانی جنس‌های بنجل و رمازرهای قاچاقی‌ات را به جای بدهی به بیت‌المال غالب کنی...».